**فهرست مطالب:**

[نقش زبان در شخصیت اخلاقی و معنوی انسان 2](#_Toc425780824)

[حفظ و استفاده صحیح از زبان از دیدگاه روایات و نهج البلاغه 2](#_Toc425780825)

[گام اول در اخلاق و معنویت، کنترل زبان 2](#_Toc425780826)

[اشاره به آفات زبان 3](#_Toc425780827)

[زبان از نظر فلسفی 3](#_Toc425780828)

[پندارهای حضرت علی(ع) در مورد زبان در خطبه 175 3](#_Toc425780829)

[تفاوت مؤمن و کافر در کنترل زبان 4](#_Toc425780830)

[زبان اسب چموش است 4](#_Toc425780831)

[توجه به اثار اجتماعی زبان در جامعه 5](#_Toc425780832)

[زبان از دیدگاه پیامبر گرامی اسلام (ص) 5](#_Toc425780833)

[سخنان حضرت علی (ع) در خطبه 233 6](#_Toc425780834)

[نصایحی از ملاحسین همدانی 6](#_Toc425780835)

[دستورات علامه بحر العلوم (ره) در مورد سکوت 6](#_Toc425780836)

[روایتی از امام صادق(ع) در مورد سکوت 7](#_Toc425780837)

[سکوت از دیدگاه امام رضا (ع) 7](#_Toc425780838)

[داستانی از ملا حسین قلی همدانی(ره) 8](#_Toc425780839)

[اشعار مولوی در باب زبان 8](#_Toc425780840)

## نقش زبان در شخصیت اخلاقی و معنوی انسان

## حفظ و استفاده صحیح از زبان از دیدگاه روایات و نهج البلاغه

در روایات زیادی بر نقش و نگهداری زبان توصیه شده است، تعدادی از خطبه‌های و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) نیز به این مطلب پرداخته‌اند.

صدها روایت از پیغمبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) در باب زبان آمده است. این قدر به این مسئله تأکید شده است که انسان تعجب می‌کند که زبان چگونه می‌تواند این قدر تأثیر در شخصیت اخلاقی و معنوی انسان داشته باشد.

امروزه ما به آفت زبان دچار هستیم. از بسیاری فیوضات معنوی به خاطر این که زبانمان در اختیارمان نیست، محروم هستیم. این بلای همگانی است. تا وقتی هم که زبان کنترل نشود و به اختیار انسان قرار نگیرد، سیر و سلوک، تهذیب اخلاق و تهذیب نفس و مراحل خودسازی میسر نیست. این نکته را بارها بزرگان اخلاق و عرفان به آن اشاره داشته‌اند.

## گام اول در اخلاق و معنویت، کنترل زبان

اگر بخواهیم، در مسائل معنوی و اخلاق قدم برداریم، بدون کنترل زبان هرگز امکان ندارد. تا وقتی که زبان در کنترل انسان نباشد، هرگز گام‌های بعدی امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل آیات، روایات زیادی در این باب وجود دارد.

از این رو حضرت علی (ع) می‌فرمایند: **مَنطِقهُم الصَواب[[1]](#footnote-1)** زبان را باید کنترل کرد.

در حدیث دیگر فرمودند:‌ در صبح، همه‌ی اعضا و جوارح انسان به زبان خطاب می‌کنند: مواظب ما باش!

 اعضا و جوارح دیگر به زبان متوسل می‌شوند، که ما را به جهنم نکشان. از فیوضات الهی محروم نکن!

اگر به خود نگاه کنیم، می‌بینیم که گاهی زبان است که ما را به سوی خود می‌کشاند و اوست که کنترل ما را دارد.

## اشاره به آفات زبان

در کتاب المحجة البیضاء، فیض کاشانی، در جلد سوم، بحثی قریب به صد صفحه دارند که در مورد آفات لسان است.

در این کتاب، بیست آفت زبان آمده سات که در روایات ذکر شده است.

در کتب اخلاقی نیز قریب به 80 آفت برای زبان ذکر شده است. درست که زبان عضو کوچکی است، اما اهمیت و حساسیت فراوانی دارد.

## زبان از نظر فلسفی

در کتب فلسفی، انسان به حیوان ناطق معرفی شده است. این نطق انسان است که در شخصیت وی را تشکیل می‌دهد و وجه تمایز آن با حیوان است. شخصیت انسان در زبانش تجسم پیدا می‌کند.

## پندارهای حضرت علی(ع) در مورد زبان در خطبه 175

 در خطبه 175 نهج البلاغه حضرت می‌فرمایند: **ثمَّ إيَّاکُمْ وَتَهْزِيعَ الْأَخْلاَقِ وَتَصْرِيفَهَاَ اجْعَلُوا اللِّسَانَ وَاحِداً، وَلْيَخْتَزِنَ الرَّجُلُ لِسَانَهُ، فَإنَّ هذَا اللِّسَانَ جَمُوحٌ بِصَاحِبِهِ. وَاللهِ مَا أَرَي عَبْداً يَتَّقِي تَقْوَي تَنْفَعُهُ حَتَّي يَخْتَزِنَ لِسَانَهُ، وَإنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ، وَإنَّ قَلْبَ الْمُنَافِقِ مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ: لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إذَا أَرَادَ أَنْ يَتَکَلَّمَ بَکَلاَمٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ، فَإنْ کَانَ خَيْراً أَبْدَاهُ، وَإنْ کَانَ شَرّاً وَارَاهُ، وَإنَّ الْمُنَافِقَ يَتَکَلَّمُ بِمَا أَتَي عَلَي لِسَانِهِ لاَ يَدْرِي مَاذَا لَهُ، وَمَاذَا عَلَيْهِ. وَلَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللهِ-صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ-: «لاَ يَسْتَقِيمُ إيمَانُ عَبْدٍ حَتَّي يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ. وَلاَ يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّي يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ». فَمَنِ اسْتَطَاعَ مِنْکُمْ أَنْ يَلْقَي اللهَ تَعَالَي وَهُوَ نَقِيُّ الرَّاحَةِ مِنْ دِمَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَمْوَالِهِمْ، سَلِيمُ اللِّسَانِ مِنْ أَعْرَاضِهِمْ، فَلْيَفْعَلْ.[[2]](#footnote-2)**

از دستورات خدا سرپيچي نکنيد، در آن بدعتگذار مباشيد، از آن منحرف نگرديد، زيرا خارج‏شوندگان از دستورات الهي در روز قيامت از رحمت خدا دورند. ضرورت کنترل، زبان سپس مواظب باشيد که اخلاق نيکو را در هم نشکنيد و به رفتار ناپسند مبدل نسازيد، زبان و دل را هماهنگ کنيد، مرد بايد زبانش را حفظ کند، زيرا همانا اين زبان سرکش، صاحب خود را به هلاکت مي‏اندازد، بخدا سوگند! پرهيزگاري را نديده‏ام که تقوي براي او سودمند باشد مگر آنکه زبان خويش را حفظ کرده بود، و همانا زبان مومن در پس قلب او، و قلب منافق از پس زبان اوست.

## تفاوت مؤمن و کافر در کنترل زبان

زيرا مؤمن هرگاه بخواهد سخنی بگوید، نخست مي‏انديشد، اگر نيک بود اظهار مي‏دارد، و چنانچه ناپسند است پنهانش مي‏کند، در صورتيکه منافق آنچه بر زبانش آمد مي‏گويد، و نمي‏داند چه به سود او، و چه حرفي بر ضرر اوست؟ و پيامبر اسلام (ص) فرمود: «ايمان بنده‏اي استوار نگردد تا دل او استوار شود، و دل استوار نشود تا زبان استوار گردد» پس هر کس از شما بتواند خدا را در حالي ملاقات کند که دستش از خون و اموال مسلمانان پاک، و زبانش از عرض و آبروي مردم سالم ماند بايد چنين کند.

## زبان اسب چموش است

دراین روایت،‌حضرت می‌فرماید: زبان شما نسبت به شما سرکش و یاغی است، باید افسار آن را در دست بگیرید. «جموح»در عربی به معنای اسم چموشی است که صاحبش حریف آن می‌شود. همانطور که حضرت می‌فرماید:‌به خدا سوگند من کسی را ندیدم پرهیزکار شود مگر زبانش را تحت کنترل خویش درآورده باشد؛ باید دانست که زبان،‌این اسب چموش را اگر کنترل نکنیم به بی‌راهه خواهیم رفت.

همانطور که از متن روایت برآمده است، فرق مؤمن و غیر مؤمن را در کنترل زبان دانسته‌اند. یعنی انسان مؤمن ابتدا، فکر می‌کند با زبان دل حرف می‌زند و بعد با زبان جسم آن را بیان می‌کند.

یکی از اصحاب پیامبر (ص) هر شب حرف‌هایش را به جای اینکه بر زبان جاری کند، بر قلم جاری می‌کنتد. قلم را می‌توان کنترل کرد، می‌توان آن را ویرایش کرد، با فکر و تدبر همراه است، اما زبان اینچنین نیست.

زمانی که کسی را می‌زنیم و یا ضرب و جرحی را انجام می‌دهیم، آثارش بر فرد مضروب باقی می‌ماند و جرایمی نیز طبق آن بر ما تحمیل می‌شود. زبان اینچنین نیست، آثار او در این دنیا گریبان ما را نمی‌گیرد. اما آثار زیان باری در آخرت دارد. غیبت، بدگویی، فحش، دل کسی را شکستن، تهمت زدن، آثاری است که در آن دنیا، با عذاب شدیدی مواجهمان می‌کند.

## توجه به اثار اجتماعی زبان در جامعه

انسان باید بداند که حرف او در جامعه چه اثری می‌گذارد. اگر حرف خوبی را می‌خواهد بزند، بزند و اگر حرف بدی را می‌زند، بر زبانش مهری بزند، و صبر کند.

## زبان از دیدگاه پیامبر گرامی اسلام (ص)

 ایمان انسان، استقامت و استواری پیدا نمی‌کند، مگر اینکه قلب انسان استقامت و استواری پیدا بکند. قلب شما استقامت پیدا نمی‌کند، مگر اینکه زبان شما راست و درست باشد.

در حدیث معراج آمده است که اهل آخرت کسانی هستند که کلامشان موزون است. باید کلام حساب‌شده و از روی فکر و تفکر باشد.

در انتها حضرت علی (ع) می‌فرماید:‌هر کسی در این راه می‌تواند وارد شود و آبروی مسلمین از زبان او محفظ است، با مدد از خداوند متعال وارد میدان شود.

## سخنان حضرت علی (ع) در خطبه 233

ایشان می‌فرمایند:‌ اِنَّ اَللِّسَانَ بَضْعَةٌ مِنَ اَلْإِنْسَانِ فَلاَ یُسْعِدُهُ اَلْقَوْلُ إِذَا اِمْتَنَعَ وَ لاَ یُمْهِلُهُ اَلنُّطْقُ[[3]](#footnote-3)

## نصایحی از ملاحسین همدانی

ملاحسین همدانی می‌فرماید: « خداوند زبان تو را مخزن علوم (اسماء شریف) قرار داده است. این بی حیایی است که مخزن سلطان را آلوده به نجاسات و غیبت، دروغ، فحش، اذیت و .. کنی. در ادامه می‌گوید که تمام اعضا و جوارح را در خدمت خداوند بیاور، نماز شب بخوان، و اگر توانستی مناجات کن. بعد از کلام، تسبیح حضرت زهرا (س) بگوید، هفتاد مرتبه استغار کند. دائم الوضو باشد. ایشان می‌گویند: بعد از هر وضو، دو رکعت نماز بخواند. در برآورده کردن حوائج مؤمنین، تلاش کند. از مجالس معصیت دوری کند.

همچنین در ادامه می‌گویند: شوخی زیاد، لغو و اراجیف گفتن و گوش کردن، دل را می‌میراند.

## دستورات علامه بحر العلوم (ره) در مورد سکوت

 مرحوم علامه بحر العلوم در رساله سیر و سلوکشان دستوراتی برای سیر و سلوک فرموده‌اند. سیزدهمین دستورد صمت یعنی سکوت است. سکوت از غیر حق، مطالب لغو و بیهوده، که این امر نقش بزرگی در صفا و طهارت قلب دارد.

صمت بر تو قسم است:

1.خاص و مطلق

2. عام.

برای ما همان عام مطلوب است. بیش از آنچه لازم است و حق است با دیگران گفتگو نکن. هر کس تصمیم بر سیر و سلوک عرفانی و معنوی دارد، سکوت از غیر حق و ضروری، لازم است.

## روایتی از امام صادق(ع) در مورد سکوت

ایشان در مصباح الشریعه می‌فرمایند: صَّمْتُ شِعَارُ الْمُحَقِّقِين بِحَقَائِقِ مَا سَبَقَ وَ جَفَّ الْقَلَمُ بِهِ وَ هُوَ مِفْتَاحُ كُلِّ رَاحَةٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ فِيهِ رِضَاءُ الرَّبِّ وَ تَخْفِيفُ الْحِسَابِ وَ الصَّوْنُ مِنَ الْخَطَايَا وَ الزَّلَلِ قَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ سِتْراً عَلَى الْجَاهِلِ وَ زَيْناً لِلْعَالِم وَ مَعَهُ عَزْلُ الْهَوَى وَ رِيَاضَةُ النَّفْسِ وَ حَلَاوَةُ الْعِبَادَةِ وَ زَوَالُ قَسْوَةِ الْقَلْبِ وَ الْعَفَافُ وَ الْمُرُوَّةُ وَ الظَّرْفُ[[4]](#footnote-4)

سکوت، کلید هر آسایشی در دنیا و آخرت است. در سکوت رضایت خدا است. باعث آسان شدن حساب است. در سکوت کلید راحتی‌ها و آرامش‌ها است در سکوت رضایت خدا است و سبک کردن حساب قیامت است. باعث محفوظ ماندن از خطا و لغزش است. خدا سکوت را نگهبانی برای جاهل قرار داده است. سکوت، زینتی برای عاقل است. سکوت ریاضت و تمرین مجاهدت است. بدون سکوت، در عبادت به جایی نخواهیم رسید. برآنچه لازم نیست، زبان و دهان را باید بست.

## سکوت از دیدگاه امام رضا (ع)

قال علی بن موسی‌الرضا (ع): مِن عَلَاماتِ الفِقهِ الحِلمُ وَ العِلمُ الصُمتُ إنَّ الصَّمتَ بَابٌ مِن أبوابِ الحِکمَةِ إنَّ الصَّمتَ یَکسِبُ المَحَبَّةَ إنَّهُ دَلیلٌ عَلَی کُلِّ خَیر[[5]](#footnote-5)

از نشانه‌های فهم عمیق و درست، بردباری، دانش و سکوت است. سکوت دری از درهای حکمت است. سکوت محبت می آورد و راهنمای هر خیری است.

در تمام این روایات، سکوت در برابر حق است. وگرنه سکوت در برابر باطل گناه است. اگر به مدینه‌ی حکمت بخواهید برسید، باید سکوت کنید. سکوت و کنترل زبان، دلیل و راهنمای هر خوبی است.

## داستانی از ملا حسین قلی همدانی(ره)

یکی از اساتید بنده نقل کردند: مرحوم آیت الله آخوند ملاحسین قلی همدانی رضوان اله علیه نامه‌ای به آقای سید علی ایروانی (ره) نوشتند: **علیک بقِلة الطعام ، قِلة الکلام ، قِلة المنام..**. بر تو باد به کم گفتن، کم خوردن و کم خوابیدن، همچنین سخنت را به ذکر خداوند بزرگ عطرافشان کن.

علمای اخلاق و عرفان اعتقاد دارند که انسان، چند روزی باید ریاضت زبان داشته باشد. در آن صورت زیبایی‌های فراوانی را می‌بیند. زبان را به صحیح گرداندن سخت و دشوار است. زبان را باید به ذکر خداوند متعال چرخاند.

## اشعار مولوی در باب زبان

ای زبان هم آتش و هم خرمنی چند این آتش درین خرمن زنی

در نهان جان از تو افغان می‌کند گرچه هر چه گوییش آن می‌کند

ای زبان هم گنج بی‌پایان توی ای زبان هم رنج بی‌درمان توی

هم صفیر و خدعهٔ مرغان توی هم انیس وحشت هجران توی

1. نهج البلاغه ، خطبه 184 [↑](#footnote-ref-1)
2. نهج البلاغه، خطبه 175 [↑](#footnote-ref-2)
3. نهج البلاغه، خطبه 233 [↑](#footnote-ref-3)
4. مصباح الشریعه، ص 101 [↑](#footnote-ref-4)
5. ول کافی، ج2، ص113، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث1 [↑](#footnote-ref-5)